

The Concept of Peace and International Security in the Qur'an and the United Nations Charter

Sayed Abdullah Karimi¹

Abstract

International peace and security are among the most significant concerns of the global community and constitute essential prerequisites for development, justice, and peaceful coexistence among nations. The Holy Qur'an and the Charter of the United Nations, as two influential sources in the religious and legal spheres, each explain the concepts of peace and security from a distinct perspective. This study aims to comparatively examine the concept of international peace and security in the Holy Qur'an and the United Nations Charter and to analyze the similarities and differences between these two approaches. The main research question explores the extent to which the foundations, objectives, and mechanisms for achieving peace and security differ or converge in the Qur'an and the United Nations Charter, and how these differences influence the realization of sustainable peace within the international system. This study uses a descriptive, analytical, and comparative approach based on library sources. The findings indicate that peace in the Holy Qur'an is a comprehensive, value-based concept founded on justice, human dignity, mutual respect, morality, peaceful coexistence, and the rejection of aggression. In contrast, the United Nations Charter primarily defines international peace and security through legal norms, international institutions, and political mechanisms designed to prevent conflicts and promote the peaceful settlement of disputes. The findings suggest that although the United Nations Charter has established a legal framework for maintaining international peace and security, its effectiveness has at times been influenced by political considerations and the interests of major powers. Therefore, integrating the Qur'an's ethical and humanitarian values with the legal mechanisms of the United Nations Charter may provide a more comprehensive and sustainable model for achieving lasting international peace and security.

Keywords: Peace, International security, Holy Qur'an, United Nations Charter, Islamic International Law, Global Justice

Citation: Karimi, Sayed Abdullah. (2025). **The Concept of Peace and International Security in the Qur'an and the United Nations Charter.** Rana Academic & Research Journal. Volume 9. Issue 4, Pp 65-89.

^{*1} Researcher in Islamic Studies and International Law
Department, University, Kabul, Afghanistan
(sayedabdullahkarimi786@gmail.com)

مفهوم صلح و امنیت بین المللی در قرآن و منشور ملل متحد

سید عبدالله کریمی^۱

چکیده

صلح و امنیت بین المللی از مهم ترین دغدغه های جامعه ی جهانی و از بنیادی ترین پیش شرط های توسعه، عدالت و همزیستی مسالمت آمیز میان ملت ها به شمار می روند. قرآن کریم و منشور ملل متحد به عنوان دو منبع تأثیرگذار در عرصه های دینی و حقوقی، هر یک از منظری خاص به تبیین مفهوم صلح و امنیت پرداخته اند. پژوهش حاضر با هدف بررسی تطبیقی مفهوم صلح و امنیت بین المللی در قرآن کریم و منشور ملل متحد و تحلیل نقاط اشتراک و افتراق این دو رویکرد انجام شده است. پرسش اصلی تحقیق این است که مبانی، اهداف و سازوکارهای تحقق صلح و امنیت در قرآن و منشور ملل متحد چه تفاوت ها و شباهت هایی دارند و این تفاوت ها چه تأثیری بر تحقق صلح پایدار در نظام بین الملل برجای می گذارند. این پژوهش با روش توصیفی-تحلیلی و تطبیقی و بر پایه ی منابع کتابخانه ای انجام شده است. یافته ها نشان می دهد که صلح در قرآن کریم مفهومی جامع و ارزش محور است که بر اصولی چون عدالت، کرامت انسانی، احترام متقابل، اخلاق، همزیستی مسالمت آمیز و نفی تجاوز استوار است. در مقابل، منشور ملل متحد صلح و امنیت بین المللی را عمدتاً در چارچوب قواعد حقوقی، نهادهای بین المللی و سازوکارهای سیاسی برای پیشگیری از منازعات و حل و فصل مسالمت آمیز اختلافات تعریف می کند. نتایج پژوهش حاکی از آن است که هرچند منشور ملل متحد چارچوبی حقوقی برای حفظ صلح جهانی فراهم ساخته، اما کارآمدی آن در مواردی تحت تأثیر ملاحظات سیاسی و منافع قدرت های بزرگ قرار گرفته است. از این رو، تلفیق ارزش های اخلاقی و انسانی قرآن با سازوکارهای حقوقی منشور ملل متحد می تواند الگویی جامع تر و پایدارتر برای تحقق صلح و امنیت بین المللی ارائه کند.

واژگان کلیدی: صلح، امنیت بین الملل، قرآن کریم، منشور ملل متحد، حقوق بین الملل اسلامی، عدالت جهانی

ارجاع: کریمی، سید عبدالله. (۱۴۰۴). **مفهوم صلح و امنیت بین المللی در قرآن و منشور ملل متحد.** فصلنامه ی علمی - تحقیقی رنا، دوره ی ۹، شماره ی ۴، صص ۶۵-۸۹.

¹ پژوهشگر اسلام و حقوق بین الملل، دانشکده حقوق، دانشگاه رنا
(sayedabdullahkarimi786@gmail.com)

فصل‌نامه‌ی

علمی - تحقیقی رنا
دوره‌ی (۹) شماره‌ی (۴)
زمستان ۱۴۰۴ هـ.ش

۱. مقدمه

صلح و امنیت از بنیادی‌ترین نیازهای جوامع انسانی به شمار می‌آیند. در جهان پرتنش امروز، دستیابی به صلح عادلانه و امنیت پایدار نیازمند نظام‌های حقوقی و اخلاقی متکی بر عدالت، گفت‌وگو و احترام متقابل است. آموزه‌های اسلامی، به‌ویژه قرآن کریم، نه تنها جنگ را به عنوان آخرین راه‌کار مشروع می‌داند؛ بلکه بر تقویت صلح و زندگی مسالمت‌آمیز میان ملت‌ها تأکید می‌کنند.

پس از پایان جنگ جهانی دوم، سازمان ملل به هدف اصلی؛ حفظ صلح و امنیت بین‌المللی تاسیس شد، اما در برخی موارد نتوانسته به‌طور موثر عمل کند. تحقیقات نشان می‌دهند عمل‌کرد سازمان ملل در بحران‌ها تحت تأثیر مستقیم رفتار و تصمیم‌گیری قدرت‌های بزرگ، به‌ویژه پنج عضو دایم شورای امنیت، قرار دارد. مطالعات نشان می‌دهند هرگاه این پنج عضو به اجماع رسیده و از سازمان ملل حمایت کنند، نقش آن در حل بحران‌ها پررنگ و موثر است. در مقابل، نبود اجماع میان این کشورها باعث محدودیت و اختلال در فعالیت‌های سازمان ملل شده و عمل‌کرد آن در تحقق اهداف صلح و امنیت بین‌المللی کاهش یافته است (سجادپور و آقامحمدی، ۱۳۹۴).

پرسش اصلی مقاله این است که تفاوت‌ها و شباهت‌های صلح و امنیت بین‌المللی در قرآن و منشور ملل متحد و تأثیر آن‌ها بر تحقق صلح و امنیت بین‌المللی چیست؟ بر بنیاد فرضیه‌ی مطرح‌شده، صلح قرآنی در مقایسه با صلح مندرج در منشور ملل متحد پایدارتر است؛ زیرا مبتنی بر ارزش‌های اخلاقی و الهی است. در حالی که صلح بین‌المللی بیش‌تر به منافع و مصالح دولت‌ها وابسته می‌باشد. این پژوهش با روش توصیفی-تحلیلی و تطبیقی و بر پایه‌ی منابع کتابخانه‌ای انجام شده است.

این پژوهش با هدف هم‌آهنگی آموزه‌های قرآنی و اصول حقوق بین‌الملل، چارچوبی نظری ارائه می‌دهد که هم با واقعیت‌های امروز و هم با نیازهای بشری سازگار و هم‌خوانی داشته باشد. اهمیت و ضرورت این پژوهش برجسته‌سازی پیوند میان اصول اخلاقی الهی (قرآن) و سازوکارهای حقوق بین‌الملل است تا بتواند زمینه‌ساز الگویی انسانی و پایدار برای صلح و امنیت بین‌المللی شود.

پیشینه‌ی پژوهش را می‌توان به سه دسته تقسیم کرد: دسته‌ی نخست به بررسی صلح در قرآن کریم پرداخته و آن را به عنوان وضعیتی پایدار و ضروری در زندگی بشر معرفی کرده‌اند که بر پایه‌ی عدالت، اخلاق، کرامت انسانی و تعامل اجتماعی استوار است. این دسته، صلح را نه تنها

فصل‌نامه‌ی

علمی - تحقیقی رنا

دوره‌ی (۹) شماره‌ی (۴)

زمستان ۱۴۰۴ هـ.ش

به معنای رفع اختلاف میان طرفین دانسته اند؛ بلکه صلح را به عنوان نیاز ذاتی انسان در نظر گرفته‌اند. هم‌چنین این دسته از پژوهش‌گرها جنگ را تنها وسیله‌ی نهایی برای دستیابی به صلح می‌دانند. تمام اصول و سازوکارهایی که دانشمندان معاصر برای دستیابی به صلح ارایه کرده‌اند، ریشه در آموزه‌های قرآنی دارند و قرن‌ها پیش در قرآن کریم بیان شده‌اند. این مسئله‌ی مؤید اصالت و پیشینه‌ی غنی فقه و حقوق اسلامی در تبیین و ترویج ارزش‌های بنیادین انسانی و اجتماعی است (ابن قدامه، ۱۳۳۸)، (خدوری، ۱۳۳۵)، (غزنوی، ۱۳۹۹)، (Mukhtar & Abdul Rahim, 2021)، (نجفی، ۱۴۰۳)، (آرایش و همکاران، ۱۴۰۱).

دسته‌ی دوم به بررسی صلح در منشور ملل متحد پرداخته و سازوکارهای حقوقی و سیاسی را برای حفظ صلح و امنیت بین‌المللی مورد تحلیل قرار داده‌اند. این مطالعات نشان می‌دهند که تحقق صلح در نظام بین‌الملل عمدتاً تابع قدرت‌های بزرگ است و از پشتوانه‌ی اخلاقی کافی برخوردار نیست (خواجه، ۱۴۰۳)، (آجیلی، ۱۳۹۲). دسته‌ی سوم نویسندگانی چون؛ کلیم حسین^۲ در اثر خود^۳ مفهوم صلح را فراتر از یک وضعیت صرفاً سیاسی دانسته و آن را به عنوان یک اصل اخلاقی-حقوقی مشترک در نظام حقوقی اسلام و حقوق بین‌الملل معاصر بررسی می‌کند. او با تحلیل آموزه‌های قرآنی نشان می‌دهد که صلح در اندیشه‌ی اسلامی مبتنی بر ارزش‌هایی چون عدالت، کرامت انسانی و مسوولیت اجتماعی است و صرفاً به معنای نبود جنگ نیست، بلکه هدف آن تحقق نظم عادلانه و اخلاقی در جامعه است. از سوی دیگر، او منشور ملل متحد را به عنوان مهم‌ترین سند بین‌المللی در حوزه‌ی حفظ صلح و امنیت جهانی مورد تحلیل قرار داده و استدلال می‌کند که ساختار قدرت‌محور شورای امنیت و امتیازات ویژه‌ی اعضای دایم، در عمل تحقق صلح پایدار جهانی را تحت تأثیر ملاحظات و منافع سیاسی دولت‌های قدرتمند قرار داده است (Hussain, 2023). برونو سیما^۴ به بررسی نقش منشور ملل متحد در تحولات امنیت جهانی پرداخته است. او موضوعاتی مانند عملیات حفظ صلح، مشروعیت استفاده از زور، تحریم‌های بین‌المللی و حقوق بشر را به صورت تحلیلی و تطبیقی مورد بررسی قرار داده است (Simma, 2024).

² Kaleem Hussain

³ Peace and Reconciliation in International and Islamic Law

⁴ Bruno Simma

فصل‌نامه‌ی

علمی - تحقیقی رنا
دوره‌ی (۹) شماره‌ی (۴)
زمستان ۱۴۰۴ هـ.ش

با وجود تلاش‌های نویسندگان در هر دو حوزه، پژوهش جامعی که به مقایسه‌ی تحلیلی و مبنایی مفهوم صلح و امنیت بین‌المللی در قرآن کریم و منشور ملل متحد بپردازد، بسیار اندک است. پژوهش حاضر در پی آن است که با تحلیل تطبیقی میان دو منبع اصلی - یکی الهی و اخلاقی (قرآن کریم) و دیگری عرفی و سیاسی (منشور ملل متحد) - تفاوت‌های فلسفی، ارزشی و اجرایی این دو نظام را آشکار سازد و زمینه‌ای برای ارایه الگویی جامع‌تر از صلح پایدار جهانی فراهم آورد.

۲. مبانی مفهومی

این تحقیق به بررسی مفهوم صلح و امنیت بین‌المللی، از دو منظر قرآن کریم و منشور ملل متحد می‌پردازد. دانشمندان اسلامی بر بنیاد آموزه‌های قرآن کریم به «جواز صلح با دشمن در صورتی که صلح مصلحتی برای مسلمانان داشته باشد» (گروهی از مفسران، ۱۴۰۱: ۳۷۱)، تاکید دارند. هم‌چنان به اتفاق علمای اسلام، عقد پیمان صلح با دشمن مشروع و قانونی است، اما دوام و التزام به آن مشروط بر وفاداری و پایبندی طرف مقابل است. در صورتی که نشانه‌هایی از خیانت یا نقض عهد مشاهده گردد، لغو رسمی پیمان صلح جایز خواهد بود. بنابراین، صلح در اسلام بر پایه‌ی عقلانیت، عدالت، مصلحت و حفظ کرامت امت اسلامی بنا نهاده شده است؛ صلحی که هدف آن تحقق امنیت پایدار و همزیستی مسالمت‌آمیز است (هروی، ۱۳۹۴: ج ۲).

از سوی دیگر، منشور ملل متحد، صلح و امنیت بین‌المللی را از طریق همکاری میان دولت‌ها، احترام به حاکمیت، حل مسالمت‌آمیز اختلافات و ایجاد سازوکارهای جمعی برای پیشگیری از جنگ بیان می‌کند (United Nations, 1945). با توجه به این دو دیدگاه، چارچوب نظری پژوهش حاضر، مبانی هنجاری و اخلاقی صلح را از دیدگاه اسلام مورد تحلیل قرار می‌دهد و هم سازوکارهای عملی و حقوقی آن را در چارچوب حقوق بین‌الملل بررسی می‌کند. هم‌چنان، ارایه‌ی یک الگوی تلفیقی و تطبیقی است که با اصول حقوقی بین‌الملل برای تحقق صلح و امنیت جهانی هم‌سو باشد.

۳. بدنه‌ی پژوهش

در این بخش، مبانی نظری پژوهش با تمرکز بر جایگاه قرآن کریم به عنوان منبع اصلی حقوق اسلامی، مفهوم صلح در قرآن و منشور ملل متحد و نقش امنیت بین‌المللی در نظام حقوقی معاصر بررسی می‌گردد.

نخستین منبع قانون‌گذاری در نظام حقوقی اسلام قرآن کریم است. قرآن در لغت از ریشه‌ی «قَرَأَ، يَقْرَأُ» گرفته شده و به معنای «جمع کردن» آمده و به کارگیری آن به معنای «خواندن» به این دلیل است که حروف و کلمات در هنگام قرائت جمع می‌شوند (عثمانی، ۱۳۹۵: ۲۲). چنان‌چه الله متعال می‌فرماید: {إِنَّ عَلَيْنَا جَمْعَهُ وَقُرْآنَهُ} (قرآن کریم، سوره قیامه: ۱۷). ترجمه: «هر آئینه بر ماست جمع کردن آن در سینه‌ی تو و خواندن آن بر زبان تو». در اصطلاح، قرآن کلام خداوند متعال که بر پیامبر اسلام (ص) نازل شده، در مصاحف نوشته شده و به صورت متواتر، بدون هیچ شبهه‌ای، به ما رسیده است و این تعریف مورد اتفاق تمام علمای اسلامی است (عثمانی، ۱۳۹۵: ۲۳).

با توجه به تعاریف فوق، قرآن می‌توان این‌گونه تعریف نمود: «قرآن، منبع اصلی و بنیادین نظام حقوق بین‌الملل اسلامی است که به عنوان کلام وحیانی خداوند متعال، بر پیامبر اسلام (ص) نازل شده، در مصاحف ثبت گردیده و به صورت متواتر و قطعی به امت اسلامی منتقل شده است؛ و مبنای تدوین قواعد حقوقی، اخلاقی، عبادی و اجتماعی در فقه و حقوق اسلامی محسوب می‌شود».

۳-۲. صلح در قرآن

قرآن کریم واژه‌های مختلفی را برای توصیف صلح و امنیت به کار برده است که از جمله آن‌ها می‌توان به «سَلِمَ» و «سَلام» اشاره کرد.^۵ «صلح در اصل واژه عربی است که به زبان فارسی وارد شده و در معانی متعددی هم‌چون؛ سازش، آشتی، سَلِمَ، سازش کردن، آشی کردن، تراضی میان متنازعين مقابل جنگ، توافق و پیمانی که بر حسب آن دعوایی را حل و فصل کنند، آمده است» (فیروزی، ۱۴۰۰: ۷۲).

واژه‌ی «صلح» که مترادف واژگان «امنیت»، «استقلال»، «رعایت حق حاکمیت»، «عدم مداخله» و «عدم توسل به زور و تهدید» است، در اصطلاح به حالت آرامش در روابط با کشورهای دیگر و فقدان جنگ و نظام تهدید اطلاق می‌شود (کریمی، ۱۴۰۳). ابن قدامه در کتاب خود صلح را چنین تعریف نموده است: «صلح در لغت به معنای آشتی و رفع اختلاف است و در اصطلاح فقهی، به قراردادی اطلاق می‌شود که موجب پایان یافتن خصومت و درگیری میان طرف‌های متخاصم شده و زمینه‌ساز توافق و سازش میان آنان می‌گردد» (ابن قدامه، ۱۹۶۸).

^۵ ر.ک: سوره نساء، آیه ۹۴، سوره مائده، آیه ۱۶، سوره انعام، آیات ۵۴، و ۱۲۷، سوره یونس، آیه ۶۲، سوره رعد، آیه ۴، سوره نور، آیه ۶۱، سوره فرقان آیه ۶۳، سوره صافات، آیه ۱۸۱، سوره ق، آیه ۳۴، سوره واقعه، آیات ۲۵-۲۶، سوره قدر، آیه ۵.

فصل‌نامه‌ی

علمی - تحقیقی رنا
دوره‌ی (۹) شماره‌ی (۴)
زمستان ۱۴۰۴ هـ.ش

در حقوق بین‌الملل اسلامی، صلح به عنوان قاعده‌ی اصلی روابط میان اسلام و سایر ملت‌ها تلقی می‌شود. بسیاری از حقوق‌دان‌ها معتقدند که در اندیشه‌ی اسلامی، صلح اصل و جنگ استثناء است. «اگر جنگ به عنوان ضرورتی برای تحقق صلح در نظر گرفته شود، مطابق با قاعده فقهی «الضَّرُورَةُ تُقَدِّرُ بِقَدَرِهَا» (ضرورت به اندازه خود سنجیده می‌شود)، می‌توان در محدوده ضرورت، حکم اولیه را ترک و به جنگ متوسل شد» (زحیلی، ۱۴۱۹: ۱۳۱).

۳-۳. صلح در منشور ملل متحد

صلح حالتی است که در آن جنگ و درگیری وجود نداشته باشد. پیش از تاسیس سازمان ملل، در روابط بین‌المللی نیز صلح غالباً به معنای نبود جنگ، تعبیر می‌شد، اما با شکل‌گیری سازمان ملل، مفهوم صلح گسترش یافت و به عنوان «نظمی بین‌المللی مبتنی بر عدالت» مورد توجه قرار گرفت. بر بنیاد این دیدگاه، صرفاً فقدان جنگ به معنای تحقق و تداوم صلح نیست؛ بلکه هرگونه اقدام یا وضعیتی که با عدالت در تضاد باشد، می‌تواند تهدیدی برای صلح و نقض آن محسوب شود. این برداشت پس از پایان جنگ سرد تقویت شد؛ چنان‌که سران اعضای شورای امنیت سازمان ملل در بیانیه‌ای در تاریخ ۳۱ جنوری ۱۹۹۲ اعلام کردند که امروزه، نبود جنگ میان دولت‌ها، لزوماً به معنای وجود صلح و امنیت بین‌المللی نیست. بی‌ثباتی در عرصه‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی و نیز نقض حقوق بشر، از جمله عواملی هستند که می‌توانند تهدیدی جدی علیه صلح و امنیت جهانی به شمار آیند (اشرافی، ۱۳۹۳).

صلح در منشور ملل، مفهومی فراتر از نبود جنگ است و به عنوان وضعیتی پویا تعریف می‌شود که در آن با استفاده از شیوه‌های مسالمت‌آمیز، اختلافات بین‌المللی مدیریت و حل‌وفصل می‌گردد و زمینه‌ای همکاری و تقویت روابط دوستانه میان دولت‌ها فراهم می‌شود. منشور در مواد (۱) بندهای (۱) و (۲) هدف اصلی سازمان را «حفظ صلح و امنیت بین‌المللی» و «توسعه‌ی روابط دوستانه بین دولت‌ها بر بنیاد برابری حاکمیت» اعلام می‌کند. از سوی دیگر، ماده‌ی (۲) بند (۳) دولت‌ها را مکلف می‌سازد اختلافات خود را از طریق ابزارهای مسالمت‌آمیز حل کنند و ماده‌ی (۲) بند (۴) هرگونه تهدید یا توسل به زور در روابط بین‌المللی را ممنوع می‌داند. برای تحقق این هدف، فصل ششم منشور (مواد (۳۳) تا (۳۸) (سازوکار حل‌وفصل مسالمت‌آمیز اختلافات مانند گفت‌وگو، میانجی‌گری، داوری و رسیدگی قضایی را پیش‌بینی کرده است. در صورت شکست ابزارهای مسالمت‌آمیز، فصل هفتم منشور (مواد (۳۹) تا (۴۲) (به شورای امنیت اختیار می‌دهد که در برابر تهدید علیه صلح یا تجاوز، اقدامات لازم از جمله تحریم‌ها را وضع

نماید و در صورت ضرورت، استفاده از نیروی نظامی را اتخاذ کند. بنابراین، صلح در منشور ملل متحد نه یک حالت منفعل، بلکه فرآیندی هدفمند برای رفع عوامل تهدیدکننده‌ای امنیت و تقویت همکاری بین‌المللی است (United Nations. 1945).

۳-۴. امنیت بین‌المللی

امنیت بین‌المللی یکی از بنیادی‌ترین مفاهیم در روابط بین‌الملل و حقوق بین‌الملل است و به مجموعه اقداماتی اشاره دارد که از تهدید علیه صلح، ثبات و رفاه جامعه جهانی جلوگیری می‌کند. این مفهوم به مرور زمان دچار تحول شده و از معنای محدود و صرفاً نظامی، به برداشتی گسترده‌تر و چندبعدی تبدیل شده است. به‌طور کلی، واژه‌ی امنیت به نوعی احساس روانی اطلاق می‌شود که در آن به خاطر به‌دور بودن از ترس، وضعیت آرامش و اطمینان خاطر احساس می‌شود. در مفهوم کلی، امنیت به بر حذر بودن از خطراتی اطلاق می‌شود که منافع و ارزش‌های انسان‌ها را مورد تهدید قرار می‌دهد. پس از عقد صلح وستفالی در سال (۱۶۴۸) شکل‌گیری نظام دولت-ملت، مفهوم امنیت ملی در روابط بین‌المللی مطرح شد و با گذشت زمان و تعمیق روابط بین‌المللی، مفهوم امنیت بین‌المللی نیز پا به عرصه‌ی حیات گذارد. در گذشته، امنیت بین‌المللی غالباً در حوزه‌ی امنیت نظامی تعریف می‌شد، اما امروزه در ابعاد سیاسی، نظامی، اقتصادی و اجتماعی تعریف می‌شود. به تبع محدود بودن مفهوم صلح، مفهوم امنیت بین‌المللی نیز در گذشته محدود بود و از مرزهای دولت‌ها چندان فراتر نمی‌رفت و مبتنی بر امنیت ملی دولت‌ها بود؛ زیرا استقلال و حاکمیت ملی دولت‌ها مهم‌ترین رکن امنیت بین‌المللی تلقی می‌شد» (اشرافی، ۱۳۹۳: ۵۶).

بنا برآن‌چه گفته شد می‌توان امنیت بین‌المللی را چنین تعریف نمود: امنیت بین‌الملل به مجموعه‌ای از تدابیر و اقداماتی اطلاق می‌شود که دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی در جهت حفظ بقا، ثبات و امنیت متقابل اتخاذ می‌کنند. این تدابیر شامل همکاری‌های نظامی، تعامل دیپلماتیک و سازوکارهای حقوقی مانند معاهدات و قراردادهاست (Nasu. 2011). امنیت ملی و امنیت بین‌الملل رابطه‌ای ناگسستنی دارند؛ به‌گونه‌ای که امنیت بین‌الملل را می‌توان درک گسترده‌تری از امنیت ملی در مقیاس جهانی تلقی کرد (Marinkovic. 2018).

فصل‌نامه‌ی

علمی - تحقیقی رنا
دوره‌ی (۹) شماره‌ی (۴)
زمستان ۱۴۰۴ هـ.ش

۳-۵. فلسفه‌ی صلح و امنیت در اسلام

صلح و امنیت از بنیادی‌ترین نیازهای جوامع انسانی و محور اصلی پایداری روابط بین‌الملل به شمار می‌آیند. در جهان پرتنش امروز، دستیابی به صلح عادلانه و امنیت پایدار نیازمند نظام‌های حقوقی و اخلاقی متکی بر عدالت، گفت‌وگو، و احترام متقابل است. آموزه‌های اسلامی، به‌ویژه در قرآن کریم، نه تنها جنگ را به عنوان آخرین راهکار مشروع می‌دانند؛ بلکه بر تلاش برای صلح، مصالحه و زندگی مسالمت‌آمیز میان ملت‌ها تأکید دارد و صلح را اصل می‌داند. اسلام در همه اوضاع و احوال مردم را به صلح دعوت نموده و جنگ را مکر و نیرنگ شیطان دانسته و تأکید می‌کند هر گامی که برای در مسیر جنگ برداشته می‌شود در حقیقت در راه شیطان گام برداشته شده است. صلح در اسلام فراتر از یک توافق سیاسی یا موقت است؛ بلکه فرآیندی اخلاقی و اجتماعی است که با کرامت انسانی، عدالت اجتماعی و توحید گره خورده است (ابوزهره، ۱۳۹۲). از دیدگاه قرآن، صلح حقیقی زمانی برقرار می‌شود که انسان‌ها در چارچوب عدالت و تقوا زندگی کنند. {وَإِنْ جَنَحُوا لِلسَّلْمِ فَاجْنَحْ لَهَا وَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ} (قرآن کریم، سوره‌ی انفال: ۶۱). ترجمه: «و اگر میل کردند به صلح تو هم میل کن به سوی آن و توکل کن بر خدا هر آینه وی شنوا داناست».

بر بنیاد این اصل قرآن، اسلام دینی است که بر پایه‌ی عدالت، رحمت و صلح استوار است. بر اساس آموزه‌های قرآن کریم، اصل صلح در روابط انسانی و بین‌المللی پذیرفته شده و پذیرش آن هنگامی مجاز است که مصلحت عمومی و امنیت جامعه‌ی اسلامی تامین گردد (گروهی از مفسران، ۱۴۰۱). به اتفاق علمای اسلام، بستن پیمان صلح با دشمن مشروع و قانونی است؛ اما دوام و التزام به آن مشروط بر وفاداری و پابندی طرف مقابل است. در صورتی که نشانه‌هایی از خیانت یا نقض عهد مشاهده گردد، لغو رسمی پیمان صلح جایز خواهد بود. بنابراین، فلسفه‌ی صلح در اسلام بر پایه‌ی عقلانیت، عدالت، مصلحت و حفظ کرامت امت اسلامی بنا نهاده شده است؛ صلحی که هدف آن تحقق امنیت پایدار و همزیستی مسالمت‌آمیز است (هروی، ۱۳۹۴: ج ۲).

۳-۶. ابزارهای صلح در قرآن و منشور ملل متحد

صلح به عنوان یکی از بنیادی‌ترین ارزش‌های انسانی، در متون دینی و اسناد بین‌المللی جایگاهی ویژه‌ای دارد. قرآن کریم با ارایه‌ی اصول اخلاقی، انسانی و اجتماعی، راه‌کارهایی را برای

پیشگیری از منازعات و تقویت همزیستی مسالمت‌آمیز ارایه می‌کند. در سطح بین‌المللی نیز منشور ملل متحد با وضع قواعد الزام‌آور برای دولت‌ها، ابزارهای حقوقی و نهادی را برای حفظ صلح و امنیت جهانی فراهم ساخته است. بررسی ابزارهای صلح در این دو منبع، نشان می‌دهد که چگونه آموزه‌های الهی و سازوکارهای حقوقی معاصر می‌توانند در تکمیل یکدیگر، چارچوبی موثر برای مدیریت تعارضات و ایجاد نظم پایدار فراهم آورند. در این بخش به ابزارهای صلح در قرآن و منشور ملل متحد پرداخته خواهد شد.

۱-۶-۳. مذاکره

قرآن به صراحت بر گفت‌وگو و تفاهم میان انسان‌ها و ملت‌ها تأکید دارد. خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید: {وَإِنْ جَنَحُوا لِلسَّلْمِ فَاجْنَحْ لَهَا وَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ} (قرآن کریم، سوره انفال: ۶۱). ترجمه: «و اگر میل کردند به صلح تو هم میل کن به سوی آن و توکل کن بر خدا هر آینه او شنوا داناست». این آیت بیانگر آن است که گفت‌وگو و پذیرش صلح، بهتر از جنگ و خشونت و ابزاری برای حفظ صلح و امنیت است. در تاریخ اسلام مسلمانان هر معاهده‌ای را که با غیر مسلمانان بستند قبل از آن مذاکراتی را انجام دادند، نمونه‌ای آن معاهده صلح حدیبیه میان پیامبر اسلام ﷺ و کفار قریش بود (الدیک، ۱۳۰۸). این اصل در حقوق بین‌الملل معاصر نیز جهت برقراری صلح از اهمیت خاصی برخوردار است.

مذاکره به عنوان یکی از ارکان بنیادین برقراری صلح در حقوق بین‌الملل جایگاه ویژه دارد، چه به عنوان تهدید به ادامه‌ی خشونت کاهش‌یافته و چه به عنوان ابزار رسمی حل اختلافات باشد. طبق ماده‌ی (۳۳) منشور، دولت‌ها موظف‌اند اختلافات بین‌المللی شان را از راه‌های «مسالمت‌آمیز»، مثل گفت‌وگو، حل و فصل کنند (United Nations. 1945).

۲-۶-۳. عدالت

تحقق عدالت جهانی یکی از اهداف اساسی ادیان الهی، به‌ویژه دین اسلام است که بر پایه‌ی اصولی هم‌چون مساوات، انصاف و رعایت حقوق انسان‌ها بنا شده است. قرآن کریم، بر ضرورت عدالت‌ورزی در تمامی ابعاد زندگی فردی و اجتماعی تأکید دارد. از منظر اسلامی، عدالت نه تنها یک فضیلت اخلاقی، بلکه بنیادی‌ترین معیار تنظیم روابط انسانی و ساختارهای اجتماعی است. این اصل، اگر در سطح بین‌المللی نیز پذیرفته و اجرا شود، می‌تواند بستری برای تحقق صلح پایدار، رفع تبعیض‌ها و تضمین کرامت انسانی فراهم سازد. از این‌رو، آموزه‌های اسلامی در

فصل‌نامه‌ی

علمی - تحقیقی رنا

دوره‌ی (۹) شماره‌ی (۴)

زمستان ۱۴۰۴ هـ.ش

فصل‌نامه‌ی

علمی - تحقیقی رنا
دوره‌ی (۹) شماره‌ی (۴)
زمستان ۱۴۰۴ هـ.ش

باب عدالت، نه فقط برای جوامع مسلمان، بلکه برای نظم جهانی نیز راهبردهایی ارزنده ارائه می‌دهند (کاتوزیان، ۲۰۰۷).

عدالت یکی از اصول بنیاد اسلام است که بر برابری همه‌ی انسان‌ها و پاداش یا کیفر بر اساس اعمال تاکید دارد. در اسلام حتی دشمنی و خصومت نیز نباید باعث ظلم و بی‌عدالتی شود (ابوزهره، ۱۳۹۲). خداوند متعال در قرآن می‌فرماید: {يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ لِلَّهِ شُهَدَاءَ بِالْقِسْطِ وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَاَنُ قَوْمٍ عَلَىٰ أَلَّا تَعْدِلُوا اعْدِلُوا هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوَىٰ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ} (قرآن کریم، سوره‌ی مائده: ۸). ترجمه: «ای مومنان باشید قیام کنندگان برای خدا گواهی دهندگان به انصاف و باعث نکند شما را دشمنی قوم بر آنکه انصاف نکنید. عدل کنید، عدل نزدیک‌تر است به تقوا و ترسیده باشید از خدا هر آئینه خدا خوب خبر دار است به آن‌چه می‌کنید».

آیت فوق بیانگر این است که التزام به اجرای عدالت و اجتناب از هرگونه ظلم، حتا در قبال مخالفان و دشمنان، یکی از ضرورت‌های اساسی و بنیادین در نظام حقوقی و اخلاقی اسلام به شمار می‌آید (گروهی از مفسران، ۱۴۰۱). «رسول اکرم ﷺ و خلفای راشدین عملاً این مبدأ را تطبیق نمودند. در نظام اسلامی منافع یک کشور، ملت، قوم و طبقه نمی‌تواند که ظلم و حق تلفی دیگران را توجیه کند. این بر خلاف آن‌چه است که امروز قدرت‌های بزرگ، جهان، منافع و مصالح کشور و ملت‌شان، خدا و معبودشان گردیده است و به خاطر به‌دست آوردن یا حفظ آن‌ها کشورها و ملت‌های دیگر قربانی می‌شوند و مورد مظالم و ستم‌های بی‌شماری قرار می‌گیرند» (معتصمی، ۱۴۰۲: ۴۸۶).

عدالت به عنوان محور اصلی گفتمان اسلامی، چارچوب مفهومی سایر ارزش‌ها هم‌چون آزادی، قدرت، صلح و امنیت را نیز شکل می‌دهد. هرگاه روابط جهانی بر مبنای معیارهای انسانی، نیازهای بشری و احترام متقابل میان ملت‌ها و دولت‌ها سامان یابد، بسترهای امنی، جنگ‌طلبی، ظلم و تبعیض کاهش یافته و زمینه‌ی صلح و امنیت پایدار فراهم خواهد شد. از این‌رو، عدالت ضامن استقرار امنیت حقیقی به شمار می‌رود؛ زیرا تحقق امنیت واقعی جز با از بین‌بردن بی‌عدالتی در عرصه‌ی بین‌الملل امکان‌پذیر نیست (آجیلی و دیگران، ۱۳۹۲).

حل‌وفصل مسالمت‌آمیز اختلافات، یکی از ارکان بنیاد نظم بین‌المللی عادلانه در دیدگاه اسلام است. حقوق بین‌الملل اسلامی که بر پایه‌ی قرآن کریم، سنت پیامبر اکرم ﷺ و فقه اسلامی شکل گرفته است؛ اختلافات میان دولت‌ها و ملت‌ها را نه صرفاً یک مسئله‌ی سیاسی، بلکه یک مسوولیت اخلاقی و دینی می‌داند.

در اندیشه‌ی اسلامی، کوشش برای برقراری صلح، حفظ تعادل و رعایت مدارا از اساسی‌ترین ارزش‌ها به شمار می‌آید. این اصول نشان‌دهنده‌ی آن است که اسلام بر ضرورت حل‌وفصل مسالمت‌آمیز اختلافات و ایجاد نظامی دقیق، کارآمد و عدالت‌محور تاکید ویژه دارد. در حقوق بین‌الملل اسلامی، حکمیت و حل‌وفصل مسالمت‌آمیز اختلافات نه تنها در حوزه‌ی روابط بین‌الملل، بلکه در نزاع‌های خصوصی نیز مورد توجه قرار گرفته است. در منابع فقهی اسلامی، شخصی که برای رفع اختلاف میان افراد برگزیده می‌شود، «قاضی تحکیم» نام دارد. البته، از این دیدگاه تنها فردی شایسته داوری است که بتواند بر پایه‌ی حق و عدالت حکم صادر کند (حسینی، ۱۳۹۴).

چنان‌چه خداوند دادگر در مورد می‌فرماید: {وَإِذَا حَكَمْتُمْ بَيْنَ النَّاسِ أَنْ تَحْكُمُوا بِالْعَدْلِ إِنَّ اللَّهَ نِعِمَّا يَعِظُكُمْ بِهِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ سَمِيعًا بَصِيرًا} (قرآن کریم، سوره‌ی نساء: ۵۸). ترجمه: «و هنگامی که حکم می‌کنید میان مردم که حکم کنید به عدالت، هر آئینه خدا نیکو چیز است که پند می‌دهد شما را به آن، هر آئینه خدا هست شنوا بینا».

این آیت مبنای حل و فصل مسالمت‌آمیز اختلافات در حقوق بین‌المللی اسلامی است. قرآن کریم بیان می‌کند که حتی در اختلافات داخلی میان گروه‌های مسلمان، نخستین اصل؛ تلاش برای برقراری صلح و عدالت است و تنها در صورتی که یکی از طرفین بر ظلم و تجاوز پافشاری کند، مداخله‌ی قهری مجاز می‌شود. این نگاه، افزون بر هم‌سویی با اصل «حل‌وفصل مسالمت‌آمیز اختلافات» در منشور ملل متحد، از پشتوانه‌ی الهی برخوردار است و هدف نهایی آن، حفظ وحدت امت، جلوگیری از خونریزی و تامین عدالت پایدار در جامعه‌ی بین‌المللی است. چنان‌چه خداوند توانا می‌فرماید: {وَإِنْ طَائِفَتَانِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ اقْتَتَلُوا فَأَصْلَحُوا بَيْنَهُمَا فَإِنْ بَغَتْ إِحْدَاهُمَا عَلَى الْأُخْرَىٰ فَفَاتِلُوا آلَتَيْ تَبَعِي حَتَّىٰ تَفِيءَ إِلَىٰ أَمْرِ اللَّهِ فَإِنْ فَاءَتْ فَأَصْلَحُوا بَيْنَهُمَا بِالْعَدْلِ وَأَقْسِطُوا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ} (قرآن کریم، سوره‌ی حجرات: ۹). ترجمه: «و اگر دو گروه از مومنان

فصل‌نامه‌ی

علمی - تحقیقی رنا

دوره‌ی (۹) شماره‌ی (۴)

زمستان ۱۴۰۴ هـ.ش

با هم جنگ کنند پس اصلاح کنید میان ایشان، پس اگر تعدی کرد یکی از این دو گروه بر دیگری، پس جنگ کنید با آن گروهی که تعدی می‌کند تا که رجوع کند به سوی حکم الله پس اگر رجوع کرد (گروه متعدی)، پس اصلاح کنید میان ایشان برابر و عدل کنید به تحقیق الله دوست دارد عدل کنندگان را».

در حقوق بین‌الملل معاصر، طبق طبق بند (۳) ماده‌ی (۲) منشور سازمان ملل متحد، «همه‌ی اعضا موظف هستند اختلافات بین‌المللی خویش را با وسایل مسالمت‌آمیز به طریقی که صلح و امنیت بین‌المللی و عدالت را به خطر نیندازد حل کنند» (United Nations, 1945: Art. 2/3). هم‌چنان در مواد (۱۲) و (۱۳) میثاق جامعه‌ی ملل، دولت‌ها را موظف می‌سازد تا اختلافات خود را به دور از خشونت حل‌وفصل کنند (League of Nations, 1924, Arts. 12-13).

۴-۶-۳. معاهدات بین‌الملل

اسلام به عنوان یک دین جهانی آغوشش برای ورود همه ملت‌ها و نژادها باز است و همیشه دست خود را برای روابط با دیگران بر بنیاد دوستی و عدالت و احترام متقابل دراز می‌کند. از دیدگاه اسلام و حقوق بین‌الملل معاهدات به عنوان ابزاری برای تنظیم و زندگی مسالمت‌آمیز میان انسان‌ها و برقراری صلح و امنیت بین‌المللی می‌باشد. ارزیابی انعقاد و اجرای معاهدات با توجه به اصول اسلامی و آرایه‌ی راه‌کارهایی برای هم‌سوایی این دو نظام حقوقی است. دین اسلام از ابتدای پیدایش خود بر اهمیت معاهدات تأکید کرده و تخطی از اصول اسلامی را مستلزم عواقب اخروی می‌داند. معاهدات از ابزارهای کلیدی روابط بین‌الملل در دوره‌های مختلف بوده و در نظام حقوقی اسلام نیز از اعتبار خاصی برخوردارند و پایه‌گذار روابط مسالمت‌آمیز میان مسلمانان و غیرمسلمانان هستند. در حقوق بین‌الملل معاصر، معاهدات نقش مهم در حفظ صلح و امنیت دارند، اما متأسفانه برخی از اصول آن به درستی رعایت نمی‌شود و گاهی به ابزاری برای قدرت‌های جهانی تبدیل می‌گردد (کریمی، ۱۴۰۳).

از دیدگاه قرآن معاهدات به عنوان ابزاری برای تنظیم و زندگی مسالمت‌آمیز میان انسان‌ها و برقراری صلح و امنیت بین‌المللی می‌باشد و تازمانی که جانب مقابل به آن پایبند باشد و فا به عهد را واجب و الزامی می‌داند (ابوزهره، ۱۳۹۲). چنان‌چه خداوند بزرگ در قرآن کریم می‌فرماید: {وَأَوْفُوا بِالْعَهْدِ إِنَّ الْعَهْدَ كَانَ مَسْئُولًا} (قرآن کریم، سوره‌ی اسراء: ۳۴). ترجمه: «و وفا کنید به عهد هر آئینه عهد است سوال کرده شده».

معاهدات یکی از مهم‌ترین ابزارهای حقوقی برای تنظیم روابط میان کشورها در نظام حقوق بین‌الملل معاصر به شمار می‌رود. این اصل، افزون بر تأثیرگذاری بر حفظ صلح، امنیت و تقویت روابط دوستانه میان ملت‌ها، از پشتوانه‌ی اخلاقی و دینی نیز برخوردار است. حقوق بین‌الملل اسلامی، از دیرباز به اهمیت پیمان‌ها و احترام به تعهدات بین‌المللی تأکید داشته‌اند و اصولی چون عدالت، صداقت و وفای به عهد را مبنای تعاملات میان جوامع انسانی قرار داده‌اند. اسلام به عنوان دینی فراگیر، معاهدات را ابزاری مشروع و ضروری برای مدیریت اختلافات، تقویت همکاری‌ها و جلوگیری از درگیری می‌داند. در حقوق بین‌الملل معاصر نیز معاهدات نقش اساسی در ایجاد سازوکارهای پایدار حقوقی ایفا می‌کنند و زمینه‌ساز تفاهم متقابل میان کشورها هستند. اگر این چارچوب‌های حقوقی با موازین اسلامی هماهنگ شوند، می‌توان انتظار داشت که همکاری‌های بین‌المللی بر مبنای اعتماد و احترام متقابل توسعه یابد. هم‌چنین نهادهای بین‌المللی می‌توانند با بهره‌گیری از این مبانی مشترک، در تقویت گفت‌وگوهای سازنده و ایجاد صلح پایدار در سطح جهانی نقش‌آفرینی موثری داشته باشند (کریمی، ۱۴۰۳).

5-6-3. اصل برابری انسان‌ها

«یکی از مبادی و اصول مهم در سیاست خارجی اسلام این است که مبدأ مساوات را به عنوان یک اصل برای تنظیم روابط میان انسان‌ها پذیرفته است و تمام انسان‌ها را از نسل یک پدر و مادر شمرده و همه‌ی امتیازات، قومی، نژادی، زبانی، ملی، وطنی و طبقاتی را لغو کرده است و یگانه معیار برتری انسان‌ها را بر یکدیگر، دین، تقوا، خدا ترسی و آراسته بودن به فضایل اخلاقی و انسانی دانسته است» (معتمدی، ۱۴۰۲: ۴۸۴). چنان‌چه خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ» (قرآن کریم، سوره‌ی حجرات: ۱۳). ترجمه: «ای مردمان هر آئینه ما آفریدیم شما را از یک مرد و یک زن و گردانیدیم شما را نژادها و قبیله‌ها تا با هم شناسا شوید، به تحقیق گرامی‌ترین شما نزد الله پرهیزگارترین (مؤدب‌ترین) شماست. به تحقیق الله به همه‌چیز دانا خبر دار است».

این آیت قرآن، بر اصل آفرینش مشترک همه‌ی انسان‌ها و نفی هرگونه تبعیض نژادی، قومی یا قبیله‌ای تأکید دارد، نقش محوری در شکل‌گیری مبانی حقوق بین‌الملل اسلامی و حتا حقوق بین‌الملل معاصر ایفا می‌کند. در جهان امروز که با پدیده‌های پیچیده جهانی‌سازی، مهاجرت،

فصل‌نامه‌ی

علمی - تحقیقی رنا

دوره‌ی (۹) شماره‌ی (۴)

زمستان ۱۴۰۴ هـ.ش

تنوع فرهنگی و حقوق بشر روبروست، تاکید قرآن بر «تعارف» یعنی شناخت متقابل میان اقوام، نشان‌دهنده‌ی ارزش‌های انسانی و بین‌المللی اسلام است که می‌تواند در ایجاد صلح، عدالت اجتماعی و احترام به حقوق اقلیت‌ها موثر باشد. این آیه نه تنها مرجع الهی برای برابری حقوقی انسان‌هاست، بلکه سرآغاز مباحث عمیق فقهی و حقوقی در راستای منع تبعیض و حفظ کرامت انسانی به شمار می‌آید (Abu-Nimer. 2003). حقوق بین‌الملل اسلامی، با الهام از این آیت قرآن، بر نفی هرگونه تبعیض قومی و نژادی در روابط بین‌الملل تاکید دارد و چنین تبعیضاتی را مغایر با اصول شریعت می‌داند (Borrmans. 1998).

نخستین و مهم‌ترین پیام این آیه، تاکید بر کرامت ذاتی و برابری همه‌ی انسان‌ها است. بر بنیاد آموزه‌های این آیه، تمام انسان‌ها فارغ از جنسیت، نژاد، قومیت یا ملیت، از یک منشأ واحد آفریده شده‌اند و از این رو از کرامت و ارزش برابر برخوردارند. این مفهوم، به عنوان پایه‌ای اخلاقی و انسانی، در حقوق بین‌الملل معاصر نیز به صورت جهانی پذیرفته شده است. برای نمونه، اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر^۶ در ماده‌ی (۱) تصریح می‌کند: «همه‌ی انسان‌ها آزاد و برابر در کرامت و حقوق زاده شده‌اند» (United Nations General Assembly. 1948: Art. 1). این مطابقت میان آموزه‌ی قرآنی و اصول حقوق بشر جهانی نشان‌دهنده‌ی نقش بنیادین ادیان، به‌ویژه اسلام، در شکل‌گیری مبانی حقوق بشری است (Al-Ahsan. 2011).

۶-۳. حمایت از مظلومین و مستضعفین

در حقوق بین‌الملل اسلامی، اصل حمایت از مظلومین و مستضعفین یکی از بنیادی‌ترین اصول اخلاقی و حقوقی به شمار می‌رود که ریشه در آموزه‌های قرآنی، سنت نبوی و سیره خلفای راشدین دارد. اسلام با تاکید بر عدالت جهانی، خواستار دفاع از کسانی است که در معرض ظلم، تجاوز یا بی‌عدالتی بدون توجه به نژاد، مذهب یا ملیت قرار گرفته‌اند (ارجینی، ۱۳۸۹).

در حقوق بین‌الملل معاصر، اصل حمایت از مظلومین و مستضعفین در قالب مداخلات بشردوستانه و تحت چارچوب «مسئولیت حمایت»^۷ تبیین می‌شود. این اصل، دولت‌ها و جامعه‌ی جهانی را در قبال محافظت از افراد در برابر نقض‌های شدید حقوق بشری مانند نسل‌کشی، جنایات جنگی و پاکسازی قومی مسؤول می‌داند (جاوید و عقیل، ۱۳۹۲: ۵۱).

⁶ Universal Declaration of Human Rights

⁷ Responsibility to Protect (R2P)

فصل‌نامه‌ی

علمی - تحقیقی رنا
دوره‌ی (۹) شماره‌ی (۴)
زمستان ۱۴۰۴ هـ.ش

خداوند متعال مسلمانان را به آزادی و دفاع از مظلومین و مستضعفین و نجات آنان از دست ظالمین و مستکبرین دستور داده و می‌فرماید: { وَمَا لَكُمْ لَا تُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ وَالْوِلْدَانِ الَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا أَخْرِجْنَا مِنْ هَذِهِ الْقَرْيَةِ الظَّالِمِ أَهْلُهَا وَاجْعَلْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ وَلِيًّا وَاجْعَلْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ نَصِيرًا } (قرآن کریم، سوره نساء: ۷۵). ترجمه: «و چیست شما را که نمی‌جنگید در راه خدا و در نجات مغلوبان از مردان و زنان و کودکان که می‌گویند ای پروردگار ما، بیرون آر ما را از این ده که ستم‌گار است اهل آن و بگردان به ما از جانب خود حامی و بگردان به ما از جانب خود مددگار».

در حدیثی پیامبر ﷺ می‌فرماید: «عَنْ أَنَسٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: أَنْصُرْ أَخَاكَ ظَالِمًا أَوْ مَظْلُومًا». قَالُوا: يَا رَسُولَ اللَّهِ، هَذَا نَنْصُرُهُ مَظْلُومًا، فَكَيْفَ نَنْصُرُهُ ظَالِمًا؟ فَقَالَ: «تَأْخُذُ فَوْقَ يَدَيْهِ» (البخاری، بی‌تا: ۴۸۴). ترجمه: انس بن مالک رضی‌الله عنه روایت می‌کند که گفت: رسول خدا ﷺ فرمود: برادرت را چه ستم‌دیده باشد و چه ستمگر، یاری کن». صحابه عرض کردند: «ای رسول خدا، مظلوم را یاری می‌کنیم (این روشن است)، اما چگونه ظالم را یاری کنیم؟» فرمود: دستش را بگیری (او را از ظلم بازداری)؛ این همان یاری کردن اوست». این آیت و حدیث پیامبر ﷺ، برای دفاع از مظلومان و مستضعفان است که در آن خداوند مسلمانان را به حمایت از مردان، زنان و کودکان مستضعف فرا می‌خواند.

با وجود جای‌گاه اصولی حمایت از مظلومین در اسناد و نهادهای بین‌المللی، عمل به این اصل در نظام حقوق بین‌الملل معاصر دچار ضعف ساختاری است. بحران انسانی غزه و جنایات رژیم صهیونیستی علیه غیرنظامیان به وضوح این ناکارآمدی را آشکار می‌سازد. باوجود اثبات نقض گسترده‌ی حقوق بشری، وتوی مکرر کشورهای عضو دایم شورای امنیت مانع اتخاذ اقدامات حقوقی موثر و توقف خشونت شده است (Shafi. 2024). تحلیل‌ها نشان می‌دهند که قدرت و تو نه فقط مانع تصویب قطعنامه‌های علیه اسرائیل می‌شود، بلکه ساختار جهانی فعلی را دچار نقص مشروعیت کرده و اعتبار بین‌المللی حقوق بشر و نظم جهانی را زیر سوال می‌برد (Illingworth. 2024).

مطالعه مقررات «مسئولیت عدم وتو»^۸ اشاره می‌کند که طبق حقوق بین‌الملل و کنوانسیون‌هایی مانند منع نسل‌کشی، اعضای دایم شورا نباید در موارد فجایع جمعی حق خود را برای وتو

⁸ Responsibility Not to Veto

فصل‌نامه‌ی

علمی - تحقیقی رنا

دوره‌ی (۹) - شماره‌ی (۴)

زمستان ۱۴۰۴ - هش

فصل‌نامه‌ی

علمی - تحقیقی رنا
دوره‌ی (۹) شماره‌ی (۴)
زمستان ۱۴۰۴ هـ.ش

استفاده کنند، اما این مفاهیم حقوقی نیز فاقد ضمانت اجرایی هستند و عملاً بی‌اثر مانده‌اند (Trahan, 2020).

این وضعیت نمایانگر آن است که نظام بین‌المللی کنونی توان حمایت واقعی از مظلومان را ندارد؛ زیرا ساختارهای قدرت سیاسی مسلط، اصول عدالت و کرامت انسانی را فدای ملاحظات ژئوپلیتیکی می‌کنند. از این‌رو، ضرورت دارد که نظامی تازه و عادلانه شکل گیرد که فارغ از وابستگی به حق و تو باشد و تمامی کشورها، به‌ویژه اعضای قدرتمند شورا، را در برابر مسوولیت‌های انسانی و اخلاقی خود پاسخ‌گو کند.

۷-۶-۳. اصل کرامت انسانی

در چارچوب اصول بنیادین نظم جهانی از منظر حقوق بین‌الملل اسلامی، کرامت انسانی به عنوان اصلی که هم‌تراز با حق حیات، جایگاهی بنیادین در تحقق عدالت، صلح و همزیستی مسالمت‌آمیز دارد. کرامت انسان در قرآن کریم با صراحت مورد تأکید قرار گرفته است. خداوند متعال می‌فرماید: {وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ} (قرآن کریم، سوره اسراء: ۷۰). ترجمه: «و (هر آئینه) بزرگ ساختیم فرزندان آدم را».

در حدیثی پیامبر ﷺ می‌فرماید: «أَيُّهَا النَّاسُ، إِنَّ رَبَّكُمْ وَاحِدٌ، وَإِنَّ أَبَاكُمْ وَاحِدٌ، كُلُّكُمْ لِآدَمَ وَآدَمُ مِنْ تُرَابٍ، إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ، وَلَيْسَ لِعَرَبِيٍّ عَلَى أَعْجَمِيٍّ فَضْلٌ إِلَّا بِالتَّقْوَى» (معتصمی، ۱۴۰۲: ۴۸۵). یعنی: «ای مردم، همانا پروردگار شما یکی است و پدر شما نیز یکی است؛ همه‌ی شما از نسل آدم هستید و آدم از خاک آفریده شده است. بزرگ‌ترین و گرامی‌ترین شما نزد خدا، کسی است که پرهیزکارتر باشد. هیچ عربی بر غیرعربی برتری ندارد مگر به تقوا».

یکی از اصول بنیادین برای صلح و امنیت بین‌المللی حفظ کرامت انسانی است. «در قرآن هر انسانی با هر رنگ و نژاد و ملیتی که باشد برای مسلمان محترم و با کرامت است و در این قانون الهی فرقی بین مسلمان و غیر مسلمان و مومن و کافر نیست» (کامران‌پور، ۱۳۹۹: ۵۳). «در صورت بی‌توجهی به این اصل و عدم التزام عملی به آثار آن ارزش‌هایی چون، عدالت، آزادی برابری و صلح در روابط داخلی و بین‌المللی مفهوم خود را از دست خواهد داد. در این صورت شاهد جهانی پر از ظلم بی‌عدالتی بی‌مهتری خشونت جنگ تجاوز و تبعیض خواهیم بود» (رحیمی‌نژاد، ۱۳۹۰: ۱۱۴).

در مقدمه‌ی اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر آمده است: «به رسمیت شناختن کرامت ذاتی و حقوق برابر و غیرقابل انتقال همه‌ی اعضای خانواده بشری، اساس آزادی، عدالت و صلح در جهان است». هم‌چنین ماده‌ی (۱) اعلام می‌کند: «همه‌ی انسان‌ها آزاد به دنیا می‌آیند و از لحاظ حیثیت و حقوق با هم برابرند» (United Nations. 1948). در مقدمه‌ی میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی حفظ کرامت ذاتی انسان به رسمیت شناخته شده و دولت‌ها متعهد به احترام و رعایت آن هستند (United Nations. 1966). هم‌چنان در مقدمه‌ی میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی از کرامت انسانی به عنوان بنیان اصلی حقوق بشر تاکید دارد و آن را اساس بهره‌مندی از رفاه و عدالت اجتماعی می‌داند (United Nations. 1966).

با توجه به جایگاه والایی که کرامت انسانی در آموزه‌های اسلامی دارد و هم‌چنین پذیرش و تاکید بر این اصل در اسناد معتبر بین‌المللی، می‌توان آن را یکی از بنیادی‌ترین ارکان نظم اجتماعی و تعامل سازنده در جوامع بشری دانست. کرامت انسانی نه تنها نقطه‌ی پیوند میان تعالیم دینی و حقوق بین‌الملل است، بلکه زیربنای ارزش‌هایی چون عدالت، برابری، آزادی و صلح نیز محسوب می‌شود. پاسداشت این اصل، زمینه‌ساز توسعه‌ی پایدار و پیشرفت واقعی جوامع است. در حالی‌که غفلت از آن، منجر به زوال اخلاقی و گسترش فساد، بی‌عدالتی و خشونت و برهم زدن نظم جهانی خواهد شد (ابراهیمی، ۱۴۰۲).

۸-۳. تحلیل تطبیقی صلح در قرآن و منشور ملل متحد

بررسی تطبیقی مفهوم صلح در قرآن کریم و منشور ملل متحد نشان می‌دهد که قرآن و منشور هر دو، صلح را از اهداف بنیادین و نهایی روابط انسان‌ها در سطح بین‌الملل می‌دانند، اما مبانی نظری، غایت و ابزار تحقق آن در دو نظام (اسلام و منشور)، کاملاً متفاوت تبیین شده است.

قرآن کریم نه تنها بر صلح، همزیستی و آرامش میان انسان‌ها تاکید دارد، بلکه بنیادهای نظری صلح‌طلبی را بر فطرت پاک انسانی استوار می‌سازد. این کتاب آسمانی تنها به بیان ارزش صلح بسنده نمی‌کند، بلکه در عرصه‌ی عمل نیز راه‌کارها و سازوکارهای کارآمدی برای حفظ و گسترش آن ارایه می‌دهد؛ راه‌کارهایی که می‌توان آن‌ها را به عنوان اصول راهبردی سیاست صلح‌طلبی در اسلام شناسایی و تبیین کرد. اسلام، دینی است که با تکیه بر ایمان، عقیده درست و اخلاق الهی، می‌کوشد تا نخست ساختار درونی جامعه را اصلاح و نوسازی کند، سپس اختلافات و تنش‌های درون اجتماعی را بر پایه‌ی انصاف و مدارا برطرف سازد و در نهایت، روابط

فصل‌نامه‌ی

علمی - تحقیقی رنا

دوره‌ی (۹) - شماره‌ی (۴)

زمستان ۱۴۰۴ هـ.ش

فصل‌نامه‌ی

علمی - تحقیقی رنا
دوره‌ی (۹) شماره‌ی (۴)
زمستان ۱۴۰۴ هـ.ش

بیرونی و بین‌المللی را نیز بر اساس عدالت، گفت‌وگو و رفتار صلح‌آمیز تنظیم نماید. در پرتو چنین نگرشی، اسلام در پی آن است که امنیت، آرامش و عدالت جهانی را تحقق بخشد و بشریت را از چرخه نفرت و جنگ‌رهای دهد (فقیهی مقدس و دیگران، ۱۳۹۳).

در مقابل، منشور ملل متحد، صلح را در قالبی حقوقی و سیاسی تفسیر می‌کند. هدف اصلی آن، حفظ امنیت بین‌المللی، پیشگیری از جنگ و حل مسالمت‌آمیز اختلافات از طریق ابزارهای سازمانی است. ماده‌ی (۱) منشور، «حفظ صلح و امنیت بین‌المللی» را نخستین هدف سازمان معرفی می‌کند. فصل‌های ششم و هفتم منشور، روش‌هایی چون گفت‌وگو، میانجیگری، داوری، ارجاع قضایی و در نهایت، اقدامات قهری شورای امنیت را برای تحقق این هدف پیش‌بینی کرده‌اند. این نوع صلح، برخلاف صلح قرآنی، بر پایه‌ای نظام قدرت، حاکمیت دولت‌ها و توافقاتی حقوقی شکل گرفته و بیش‌تر ناظر به ساختار سیاسی روابط بین‌الملل است تا جنبه‌های اخلاقی و روحی آن (Shaw, 2021).

با وجود این تفاوت‌های بنیادین، هر دو دیدگاه در چند اصل مشترک‌اند: هر دو بر ضرورت گفت‌وگو، همکاری، احترام متقابل و پاسداشت کرامت انسان تاکید دارند. از نگاه قرآن، {وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ} (قرآن کریم، سوره اسراء: ۷۰). ترجمه: «و (هر آئینه) بزرگ ساختیم فرزندان آدم را». انسان موجودی دارای کرامت است. از نظر منشور نیز حقوق بشر و کرامت انسانی اساس روابط صلح‌آمیز میان ملت‌هاست.

پژوهش حاضر با هدف بررسی و تحلیل تطبیقی مفهوم صلح در قرآن کریم و منشور ملل متحد انجام شده است. در این تحقیق، «حقوق بین‌الملل عمومی» به عنوان ابزاری بنیادین برای تنظیم روابط میان کشورها و دستیابی به عدالت، امنیت و صلح پایدار مورد توجه قرار گرفته است. با وجود تحولات تاریخی و نظری گسترده در این نظام حقوقی، چالش‌های عمیق در عرصه اجرای عملی آن همچنان پابرجاست. منافع سیاسی و اقتصادی قدرت‌های بزرگ، اغلب بر روند اجرای مقررات بین‌المللی سایه می‌افکند و سبب می‌شود اصول عدالت، برابری و بی‌طرفی که در منشور ملل متحد بر آن تاکید شده، در عمل نادیده گرفته شود. این نابرابری‌ها به‌ویژه در بحران‌های معاصر مانند غزه و اوکراین به‌روشنی آشکار گردیده‌اند؛ جایی که شکاف میان نظریه و عمل، و تضاد میان شعار عدالت جهانی و رفتار تبعیض‌آمیز قدرت‌های بین‌المللی، مشروعیت و کارآمدی نظام بین‌المللی را با پرسش‌های جدی روبه‌رو کرده است. در مقابل،

شریعت اسلامی نظام الهی، جامع و پایدار ارایه می‌دهد که بنیان آن بر عدالت، رحمت، کرامت انسانی و صلح استوار است. قرآن کریم صلح را نه تنها یک ضرورت سیاسی، بلکه تجلی اراده‌ی الهی و راهی برای تحقق آرامش درونی و بیرونی انسان معرفی می‌کند. این نظام حقوقی و اخلاقی، با ارایه‌ی اصولی ثابت و جهان‌شمول، راهکارهایی روشن برای مواجهه با بحران‌های انسانی، اجتماعی و بین‌المللی پیشنهاد می‌نماید (Odeh, 2025).

تفاوت دیگر این دو در منبع مشروعیت آن‌ها نهفته است. منبع و اساس صلح در اسلام، قرآن کریم و تعالیم الهی است، در حالی که در حقوق بین‌الملل، مبنا بر قراردادهای و اراده دولت‌ها استوار می‌باشد. با این حال، هر دو نظام در پی تحقق هدفی مشترک؛ برقراری صلح، عدالت و امنیت بین‌المللی اند.

۴. بحث

پژوهش حاضر با هدف بررسی و تحلیل تطبیقی مفهوم صلح و امنیت بین‌المللی در قرآن کریم و منشور ملل متحد انجام یافته است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهند که هر دو منبع (قرآن و منشور ملل متحد)، صلح را به عنوان هدفی بنیادین برای نظم و همزیستی انسانی مطرح می‌کنند، اما تفاوت‌های اساسی در مبانی، ابزارها و پایایی آن‌ها وجود دارد. صلح قرآنی نه تنها محدود به رفع جنگ و درگیری نیست، بلکه بر ارزش‌های اخلاقی، کرامت انسانی، عدالت اجتماعی و مسوولیت‌پذیری استوار است؛ در حالی که صلح در منشور ملل متحد عمدتاً مبتنی بر سازوکارهای حقوقی، همکاری میان دولت‌ها و اجماع قدرت‌های بزرگ است و از پشتوانه‌ی اخلاقی و معنوی قوی برخوردار نیست.

تحلیل تطبیقی نشان می‌دهد که ابزارهای صلح در اسلام، مانند گفت‌وگو، عدالت، اصلاح ذات‌البین، معاهدات، اصل برابری انسان‌ها، حمایت از مظلومین و کرامت انسانی، افزون بر جنبه‌ی حقوقی، ریشه در اخلاق و دین دارند و تحقق آن‌ها به پایان جنگ و تداوم صلح کمک می‌کند. در مقابل، ابزارهای صلح در منشور ملل متحد محدود به سازوکارهای حقوقی و نهادی است و ناکارآمدی‌هایی مانند سوءاستفاده از حق وتو در شورای امنیت، فقدان ضمانت اجرایی موثر و تأثیرگذاری منافع سیاسی قدرت‌های بزرگ، بر محدودیت آن دلالت دارد.

یافته‌های پژوهش هم‌چنین با مطالعات پیشین تطبیق داده شد. مطابق مطالعات سجادی‌پور و آقامحمدی (۱۳۹۴)، عمل‌کرد سازمان ملل در بحران‌ها تا حد زیادی به اجماع اعضای دایم

فصل‌نامه‌ی

علمی - تحقیقی رنا

دوره‌ی (۹) شماره‌ی (۴)

زمستان ۱۴۰۴ هـ.ش

فصل‌نامه‌ی

علمی - تحقیقی رنا
دوره‌ی (۹) شماره‌ی (۴)
زمستان ۱۴۰۴ هـ.ش

شورای امنیت وابسته است و فقدان اجماع مانع تحقق اهداف صلح پایدار می‌شود؛ این موضوع با تحلیل ابزارهای صلح در منشور ملل متحد هم‌راستا است. از سوی دیگر، پژوهش‌هایی صورت گرفته تاکید دارند که عدالت و برابری، شرط لازم برای صلح و امنیت بین‌المللی است که در آموزه‌های قرآنی به‌طور کامل مورد تاکید قرار گرفته است (کاتوزیان، ۲۰۰۷)، (Abu-Nimer. 2003)

یافته‌های غیرمنتظره‌ی پژوهش شامل هم‌پوشانی نسبی ابزارهای حقوقی و دینی در برخی حوزه‌ها می‌باشد، اما محدودیت عملی و ناکارآمدی ابزارهای بین‌المللی در حمایت از مظلومین بیانگر این است که تحقق صلح پایدار صرفاً با سازوکارهای حقوقی بدون پشتیبانی اخلاقی و انسانی امکان‌پذیر نیست. این یافته‌ها، بر اهمیت نظری بازاندیشی در مفهوم صلح و امنیت بین‌المللی تاکید دارد و در عین حال، ضرورت و اهمیت کاربردی رایبه‌ی الگوها و راه‌کارهای تلفیقی میان مبانی دینی و نظام حقوق بین‌الملل را برجسته می‌سازد.

این پژوهش با محدودیت‌هایی از جمله نبود حقوق‌دانان و پژوهشگرانی مواجه است که هم به درک دقیق آموزه‌های قرآنی مسلط باشند و هم دانش کافی در حقوق بین‌الملل داشته باشند تا تحلیل تلفیقی و جامع از قرآن و منشور ملل متحد ارائه کنند. هم‌چنین، کم‌توجهی حقوق‌دانان اسلامی به کاربرد آموزه‌های قرآنی در حقوق بین‌الملل، زمینه را برای محدود شدن مطالعات تلفیقی و کاربردی در این حوزه فراهم کرده است.

در این پژوهش تلاش شده است با انجام تحلیلی تطبیقی میان دو منبع اصلی - یکی الهی و اخلاقی (قرآن کریم) و دیگری عرفی و سیاسی (منشور ملل متحد) - تفاوت‌های فلسفی، ارزشی و اجرایی این دو نظام روشن شود و زمینه‌ای برای رایبه‌ی الگویی جامع‌تر و کارآمدتر از صلح پایدار جهانی فراهم گردد.

نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر نشان داد که هدف مشترک قرآن کریم و منشور ملل متحد پایان دادن به منازعات، حفظ آرامش و صلح جهانی است، اما مفهوم صلح در قرآن و منشور ملل متحد از نظر مبانی، اهداف و ابزارهای تحقق، تفاوت‌های بنیادینی دارند. در قرآن، صلح مفهومی الهی، اخلاقی

و درون‌زا است که ریشه در عدالت، ایمان، تقوا و کرامت انسانی دارد. این نوع صلح، تنها به معنای نبود جنگ نیست، بلکه تجلی حضور عدالت، انصاف، گذشت و همزیستی مسالمت‌آمیز میان انسان‌هاست. صلح در نگاه قرآن، زمانی حقیقی و پایدار است که نه تنها امنیت مادی جامعه تامین شود، بلکه آرامش روحی، اخلاقی و معنوی انسان نیز در پرتو ایمان و عدالت تضمین گردد.

در مقابل، منشور ملل متحد صلح و امنیت را بیش‌تر از دیدگاهی سیاسی و نهادی تعریف می‌کند و راه‌های دستیابی به آن را در همکاری میان دولت‌ها، ایجاد نظام امنیت جمعی و حل‌وفصل مسالمت‌آمیز اختلافات می‌جوید. هرچند این رویکرد در کاهش منازعات بین‌المللی تأثیرگذار بوده است، اما به سبب وابستگی به منافع قدرت‌های بزرگ و بی‌توجهی نسبی به اصل عدالت جهانی، نتوانسته زمینه‌ساز برقراری صلح واقعی و پایدار گردد.

یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که صلح در نگاه قرآن، با تکیه بر اصولی هم‌چون عدالت، گفت‌وگو، وفای به عهد، بخشش و کرامت انسانی، می‌تواند مبنایی الهام‌بخش برای اصلاح و تکامل ساختار حقوقی سازمان ملل و نظام بین‌المللی امروز باشد. پیوند دادن ارزش‌های الهی قرآن با اصول مثبت منشور ملل متحد - از جمله برابری کشورها، حفظ کرامت انسانی، احترام به حقوق بشر و حل‌وفصل مسالمت‌آمیز اختلافات - می‌تواند الگویی جامع، انسانی و متعادل برای دستیابی به صلح واقعی و پایدار در سراسر جهان پدید آورد.

بنابراین، صلح مطلوب در سده‌ی بیست‌ویکم تنها زمانی تحقق می‌یابد که بُعد اخلاقی و معنوی تعالیم قرآنی با بُعد حقوقی و نهادی نظام بین‌المللی درهم‌آمیزد. در پرتو این پیوند، می‌توان نظامی جهانی ایجاد کرد که عدالت، کرامت انسانی و امنیت واقعی در آن هم‌زمان تحقق یابند و مفهوم «صلح پایدار» از محدوده شعارهای سیاسی فراتر رفته، به واقعیتی زنده و ملموس در زندگی بشر تبدیل شود.

در نهایت، این پژوهش نشان می‌دهد که برقراری واقعی صلح و عدالت در هر نظام حقوقی تنها زمانی ممکن است که هم‌پشتوانه اخلاقی و ارزشی وجود داشته باشد و هم سازوکارهای اجرایی موثر؛ یعنی از یک طرف، باورهای دینی و ارزش‌های الهی باید راهنما باشند و از طرف دیگر، نظام‌های حقوقی و اجرایی توانمند لازم است تا در عمل از آن ارزش‌ها پشتیبانی کنند. ترکیب

فصل‌نامه‌ی

علمی - تحقیقی رنا

دوره‌ی (۹) شماره‌ی (۴)

زمستان ۱۴۰۴ هـ.ش

فصل‌نامه‌ی

علمی - تحقیقی رنا
دوره‌ی (۹) شماره‌ی (۴)
زمستان ۱۴۰۴ هـ.ش

این دو می‌تواند جوامع را از خشونت، تبعیض و بی‌عدالتی دور کرده و به سوی صلح و امنیت بین‌المللی هدایت کند.

منابع

- الف: قرآن کریم
- ب: فارسی
- ابراهیمی، محمد امین (۱۴۰۲)، کرامت انسانی در حقوق کیفری و اسناد بین‌المللی. فصل‌نامه‌ی تمدن حقوقی، ۶ (۱۷)، صص ۳۳۷-۳۵۰.
- ابوزهره، محمد. (۱۳۹۲). روابط بین‌الملل در اسلام. مترجم: سید احمد اشرفی، چاپ سوم، کابل: نشر: مستقبل و سلام.
- آجیلی، هادی و اسمعیلی اردکانی، علی (۱۳۹۲)، عدالت و امنیت ملی در روابط بین‌الملل: رویکرد اسلامی. فصل‌نامه‌ی مطالعات راهبردی، ۱۶ (۶۱)، صص ۱۳۱-۱۵۸.
- آجیلی هادی و اسماعیلی اردکانی، علی (۱۳۹۲)، درآمدی بر معنا و مفهوم صلح در روابط بین‌الملل؛ رویکرد اسلام سیاسی فقه‌تبی. پژوهش‌های سیاست اسلامی، ۱ (۴)، صص ۱۰۵-۱۳۴.
- آرایش، منصور و همکاران (۱۴۰۱)، نظریه‌ی جنگ عادلانه، اسلام و صلح. مجله‌ی پژوهش و مطالعات علوم اسلامی، ۳۶ (۳۶)، صص ۹۳-۱۰۳.
- ارجینی، حسین (۱۳۸۹)، جایگاه اصل حمایت از مستضعفان و مظلومان در روابط خارجی دولت اسلامی. فصل‌نامه‌ی علمی - پژوهشی مطالعات انقلاب اسلامی، ۷ (۲۰)، صص ۶۷-۹۲.
- اشرفی، داریوش (۱۳۹۳)، تفسیر جدید از صلح و امنیت بین‌المللی و تأثیر آن بر مفهوم حاکمیت ملی. فصل‌نامه‌ی پژوهش حقوق عمومی، ۱۵ (۴۲)، صص ۸۳-۱۰۹.
- البخاری، محمد بن اسماعیل (بی‌تا)، صحیح البخاری، کتاب المظالم، حدیث شماره ۲۴۴۴.
- جاوید، محمد جواد و عقیل، محمد (۱۳۹۲)، نسبت اصل عدم مداخله در حقوق بین‌الملل معاصر و اصل حمایت از مستضعفین در حقوق اسلامی. مجله‌ی مطالعات حقوقی دانشگاه شیراز، ۵ (۱)، صص ۴۹-۸۸.
- حسینی، سید محمد (۱۳۹۴)، رساله‌ای در حقوق بین‌الملل اسلام، تهران: نشر: مجد.
- خدوری، مجید (۱۳۳۵)، جنگ و صلح در اسلام، مترجم: سید غلامرضا سعیدی. تهران: شرکت نسبی اقبال و شرکاء.
- خواجه، مهسا و همکاران (1403)، نگاهی تطبیقی به مفاهیم حقوق بین‌الملل در آئینه‌ی صلح پایدار اسلامی. دو فصل‌نامه‌ی حکمت اسلامی و حقوق، ۱ (۱)، صص ۱۱۰-۱۲۷.
- الدیک، محمود ابراهیمی (۱۳۹۸)، معاهدات بین‌المللی در اسلام و حقوق بین‌الملل عمومی، مترجم: ابراهیم موسی‌زاده، تهران: نشر: مجد.

رحیمی‌نژاد، اسمعیل (۱۳۹۰)، نگرش اسلامی به کرامت انسانی، فصل‌نامه‌ی معرفت حقوقی، ۱ (۲)، صص ۱۱۳-۱۲۶.

سجادپور، سید محمد کاظم و زهرا آقا محمدی (۱۳۹۴)، شورای امنیت، قدرت‌های بزرگ و عملیات حفظ صلح سازمان ملل متحد: چارچوب‌های مفهومی و کارکردهای عملیاتی، فصل‌نامه‌ی آفاق امنیت، ۸ (۲۸)، صص ۱۶۱-۱۶۸.

عثمانی، محمدتقی (۱۳۹۵)، علوم قرآن. مترجم: محمد عمر عیدی (دهنه)، تربت جام: نشر شیخ‌الاسلام احمد جام، چاپ اول.

غزنوی، قربان‌علی فصیحی (۱۳۹۹)، اصالت جنگ یا صلح در قرآن. ویژه‌نامه‌ی سمینار علمی، صص ۳۵-۶۳. فیروزی، مهدی (۱۴۰۰)، بررسی فقهی حق بر صلح با تاکید بر آیات قرآن کریم، فصل‌نامه‌ی علمی - پژوهشی فقه، ۲۸ (۴)، صص ۶۸-۹۷. قابل

کاتوزیان، ناصر (۲۰۰۷)، عدالت و حقوق بشر، مطالعات حقوق خصوصی. ۳۷ (۳).

کامران‌پور، ابراهیم (۱۳۹۹)، تحلیلی بر مفهوم جهاد و قتال، تهران: نشر: احسان.

کریمی، سید عبدالله (۱۴۰۳)، نقش محمد بن الحسن الشیبانی در پایه‌گذاری اندیشه‌ی حقوق بین‌الملل اسلامی. [پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبائی]، تهران.

کریمی، سید عبدالله (۱۴۰۳)، نقش و جایگاه معاهدات از دیدگاه اسلام و حقوق بین‌الملل معاصر. مجله علمی - تحقیقی پامیر، ۹ (۲۹)، صص ۱۴۷-۱۶۴.

گروهی از مفسران (۱۴۰۱)، المختصر فی تفسیر القرآن الکریم. مترجم‌ها: جمال علی‌خواجه، امین‌پور صادقی، شعیب علی‌خواجه و عامر شمس. تهران: نشر: احسان.

معتصمی، ابوالخیر عبدالرحمن (۱۴۰۲)، نظام سیاسی اسلام، تهران: نشر: احسان.

نجفی، رضوان (۱۴۰۳)، بررسی نظریه‌ی صلح و اخلاق جهانی در قرآن کریم، نوآوری‌های تفسیری. ۲ (۱)، صص ۶۴-۸۰.

هری، عبدالرووف مخلص (۱۳۹۴)، تفسیر انوارالقرآن، [نسخه‌ی الکترونیکی، چاپ اول]. کتابخانه‌ی قلم.

ج: انگلیسی

Abu-Nimer, M (2003), Nonviolence and peace building in Islam: Theory and practice. Gainesville, FL: University Press of Florida.

Al-Ahsan, A (2008), Law, religion and human dignity in the Muslim world today: An examination of OIC's Cairo Declaration of Human Rights. Journal of Law and Religion, 24(2), 569-597.

Illingworth, R (2025), Gaza and the failure of atrocity prevention: Placing the responsibility to protect on stronger cosmopolitan foundations.

فصل‌نامه‌ی

علمی - تحقیقی رنا

دوره‌ی (۹) شماره‌ی (۴)

زمستان ۱۴۰۴ هـ.ش

- Cooperation and Conflict. Advance online publication.
<https://doi.org/10.1177/00108367251321440>
- International Court of Justice (1945), Charter of the United Nations, together with the Statute of the International Court of Justice, signed at the United Nations Conference on International Organization, San Francisco, California, June 26, 1945 (Vol. 2353). Washington, DC: U.S. Government Printing Office.
- Marinkovic, N. (2018). The relationship between national and international security—Its configuration and current trends. *Kultura Polisa*, 15, 191–202.
<https://kpolisa.com/index.php/kp/article/view/431>
- Mozaffari, M. H. (2011). Human dignity: An Islamic perspective. *An International Journal of Academic Research*, 54(4), 2–15.
- Moses, J, (2024), Gaza and the political and moral failure of the responsibility to protect. *Journal of Intervention and Statebuilding*, 18(2).
<https://www.tandfonline.com/doi/pdf/10.1080/17502977.2024.2304987>
- Nasu, H. (2011). The expanded conception of security and international law: Challenges to the UN collective security system. *Amsterdam Law Forum*, 3, 15–35.
<file:///C:/Users/DEll/Downloads/ssrn-1922928.pdf>
- Odeh, E. A. M. (2025). Public international law and the Islamic foundations for engaging with it. *International Journal of Religion*, 6(1), 111–120.
<https://doi.org/10.61707/mxebxr82>
- Shafi, H, & Malik, H (2024), Humanitarian crisis and crumbling pillars of R2P in Gaza. *Journal of Security & Strategic Analyses*, 10(1).
<file:///C:/Users/DEll/Downloads/humanitarian-crisis-and-crumbling-pillars-of-r2p-in-gaza.pdf>
- Simma, B, Khan, D-E, Nolte, G, & Paulus, A (Eds) (2024), *The Charter of the United Nations: A commentary* (3rd ed). Oxford, UK: Oxford University Press.
- Trahan, J (2020), *Existing legal limits to Security Council veto power in the face of atrocity crimes*. Cambridge, UK: Cambridge University Press.
- United Nations (1945), *Charter of the United Nations*. San Francisco, CA: United Nations. <https://www.un.org/en/about-us/un-charter>.
- United Nations (1948) *Universal Declaration of Human Rights*. Paris, France: United Nations General Assembly. <https://www.un.org/en/about-us/universal-declaration-of-human-rights>
- United Nations (1966), *International Covenant on Civil and Political Rights*. New York, NY: United Nations General Assembly.

فصل نامه‌ی

علمی - تحقیقی رنا

دوره‌ی (۹) شماره‌ی (۴)

زمستان ۱۴۰۴ هـ.ش

<https://www.ohchr.org/en/instruments-mechanisms/instruments/international-covenant-civil-and-political-rights>.

United Nations (1966), International Covenant on Economic, Social and Cultural Rights. New York, NY: United Nations General Assembly.

<https://www.ohchr.org/en/instruments-mechanisms/instruments/international-covenant-economic-social-and-cultural-rights>

White, N D (1997), Keeping the peace: The United Nations and the maintenance of international peace and security. Manchester, UK: Manchester University Press.

League of Nations. (1924). The covenant of the League of Nations. Geneva https://www.ungeneva.org/en/about/league-of-nations/covenant?utm_source=chatgpt.com.

Shaw, M N (2021), International law (9th ed). Cambridge University Press.